

آثار تربیتی وجوب جواب دادن سلام

خانم خسروی^۱

چکیده

در بیست و چهار آیه از قرآن واژه سلام بکار رفته است و این نشانه ای از قداست این کلمه دارد که خداوند آن را بیان کرده است، عامل رابطه از آغاز آفرینش و حضور انسان عاقل در عرصه گیتی و تشکیل زندگی جمعی تاکنون شکل های گوناگونی به خود دیده است. اما تا پیش از اسلام این عامل یک واژه خشک، بی معنا و صرفاً بهانه برای شروع گفتگوها و معاملات روزمره بشری بود. لیکن با آمدن اسلام به عنوان مکتب کامل الهی و مبتنی بر فطرت پاک انسانی کلیه مفاهیم زندگی دگرگون و فرم نوینی یافت، لذا عامل این ارتباط تحت عنوان سلام از طرف دین اسلام و پیامبر تقدیم جامعه شد همچنین جواب دادن سلام بر مردم واجب شد بطوری که بر عموم مسلمانان تاکید شد اگر کسی به شما سلام کرد باید به بهترین وجه پاسخ او را بیان کنید زیرا خداوند به حساب هر نیک و بدی کاملاً خواهد رسید وجوب جواب دادن سلام دارای آثار تربیتی است از جمله آثار می توان به دست آوردن عزت و کرامت برای شخص، تواضع، آرامش، تعادل روحی و روانی، رزق و روزی، دوری از کینه و حسد و همچنین انس و الفت، همکاری و تعاون، استمرار دوستی، آمرزش گناهان، کامل کننده ایمان و صله رحم را به دنبال دارد.

کلمات کلیدی: آثار تربیتی، سلام، وجوب جواب، تحیت

مقدمه

^۱ - طلبه سطح ۲ حوزه علمیه نرجس (س)

سلام و تحیت یک سنت و ادب اسلامی است. هنگامی که انسانی بر کسی وارد می شود بلکه حتی به جایی وارد می شود، مستحب است که سلام بگوید، وقتی دو نفر به هم می رسند و نگاهشان در نگاه هم می افتد اولین نشانه صداقت و مودت بین آن ها سلام کردن و جواب سلام دادن است. سلام دادن اطمینان دادن به طرف روبروست که بیان می کند ما سلامتی و تندرستی را برای تو می خواهیم و از جانب ما آسوده باشید که آسیبی به شما نمی رسد نوعی تحنیت و درود اسلامی است که بهترین کلمه برای شروع و ابراز علاقه و محبت سلام کردن است. سلام به معنای گوناگونی به کاررفته است آن چنان که یکی از اسامی خداوند هم به نام سلام است، سلام کردن یا پاسخ دادن به دیگران یک نوع رفتاری است که در بعد زندگی فردی و اجتماعی انسان تاثیر شگرفی دارد رابطه ای که با سلام آغاز می شود یک رابطه ای نیکو و سودمند است ، یکی از سنت های زیبای اسلام سلام کردن و پاسخ سلام دادن آن است. نشانه ی سلامت و مهربانی و عطوفت است و مرزهای جغرافیایی و زبان و نژادهای مختلف با الوان و گویش ها را درهم می نورد و پیوندی عمیق و زیبا بر جای می گذارد. از آیات قرآن مشخص می شود که سلام در آیین و مذاهب دیگر نیز وجود داشته است و چون این عمل پسندیده و نیکو بوده است در زمان رسول الله (ص) تقویت و امضاء شده است.

۱- مفهوم سلام

سلام در لغت به معنای عافیت، تسلیم، صحت و سلامتی و امنیت است، از این رو آن را به معنای سلامت می‌گیرند که به معنای دور بودن از هر عیبی است و دور بودن از بیماری و رنج، حتی یکی از اسامی خداوند هم سلام است چون ذات خداوند از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است. اسلام را هم سلام می‌نامند چون اسلام به معنای تسلیم شدن و از لجاجت و سرکشی دوری کردن است.^۱ سلام کردن و جواب آن را دادن نوعی احترام به طرف مقابل است چون کسی که سلام می‌کند یک پیامی را برای طرف مقابل صادر می‌کند و می‌تواند این پیام دعایی باشد یعنی در واقع بیان می‌دارد که من به تو سلام می‌کنم چون همیشه سلامتی و عافیت را برای تو می‌خواهم یا می‌تواند در معنای بیان فروتنی و خضوع و ادب باشد پیامی که در سلام کردن است و طرف مقابل سلام را جواب می‌دهد حاوی این نکته است که تو از سوی من در امانی و هیچ‌گونه ترس و نگرانی از من نداشته باش در واقع سلام یک نوع تحیتی است که باعث صلح و امنیت بین دو نفر می‌شود.^۲ کسی که سلام می‌کند طرف مقابل واجب است که جواب سلام او را بدهد و ترک کردن و نگفتن پاسخ آن حرام است در روایات داریم که سلام کردن شصت و نه ثواب از هفتاد ثواب را می‌برد و تنها یک حسنه برای جواب‌دهنده سلام است.^۳

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مردم را بر سلام کردن تشویق می‌کند و یکی از راه‌های نزدیکی به خدا و خود را سلام کردن بیان می‌کند. در حقیقت اگر کسی بخواهد محبوب خدا و پیامبرش شود می‌بایست کارهایی را انجام دهد که ایشان دوست می‌دارند؛ سلام از جمله این امور است چرا که خود خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نه تنها سلام می‌کنند بلکه بر این کار از دیگران سبقت می‌گرفتند به گونه‌ای که حتی یکی از اصحاب خواست با مخفی شدن در گوشه‌ای بر ایشان در سلام سبقت بجوید، اما ایشان پیش دستی کرده و بر او سلام کرد. به هر حال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یکی از راه‌های محبوب شدن در نزد خدا و خود را سلام کردن دانسته و می‌

^۱ - فارسی، معجم مقیایس الغه، ج ۳، ص ۹۰-۹۱

^۲ - طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۲۹

^۳ - حرانی، تَخْفُ الْعُقُول، ص ۲۴۸.

فرماید: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ»؛ «نزدیکترین مردم به خدا و رسول او کسی است که آغازگر سلام باشد.»^۱

۲- تاریخچه سلام

زمانی که خداوند حضرت آدم را خلق کرد به او فرمان داد که به سوی گروهی از فرشتگان برود و به آنان سلام دهد، حضرت آدم به نزد فرشتگان رفت و به آنان سلام داد، فرشتگان در جواب او درود و سلام فرستادند وقتی که به نزد خداوند باری تعالی برگشت خداوند فرمود: این تحیت و سلام تو است و تحیت فرزندان تو پس از تو تا روز قیامت، پس زمانی که حضرت حوا را خلق کرد اولین جمله‌ای که از دهان آدم خارج شد سلام بر حضرت حوا بود.^۲ در زمان حضرت ابراهیم با کلمه سلام مردم به هم ادای احترام می‌کردند که آیاتی از قرآن به این موضوع اشاره کرده‌است که مردم با کلمه سلام به همدیگر درود می‌فرستادند در سال‌های بعد این کلمه به فراموشی سپرده شد یا کم از آن استفاده می‌شد در واقع اگر آن را هم به کار می‌بردند مفهوم آن را به درستی نمی‌دانستند در زمان جاهلیت این کلمه به کار برده نمی‌شد فقط اعراب صبح بخیر یا عصر بخیر به همدیگر می‌گفتند با آمدن اسلام «سلام» به جای دروذهای جاهلی تشریع گردید.^۳

دز زمان کنونی هم توجه به سلام و پاسخ آن بسیار کم رنگ شده و کلمات دیگری را به جای واژه سلام به کار می‌برند استفاده از کلمات فرنگی و نامناسب به خاطر تقلید از فرهنگ غربی و اینکه فرهنگ آنان را برتر می‌دانند هم چنین آموزش ندادن کودکان از سنین کم به این سنت پسندیده و تبلیغات نادرست در جوامع باعث فراموشی این کلمه مقدس را به همراه دارد.^۴

۳- فلسفه سلام

شیعیان این اعتقاد را دارند که هر حکمی از اسلام از روی مصالح و مفاسد به صورت یک قانون درآمده است پس اگر امری واجب یا مستحب است در اسلام، دارای یک مصلحت ذاتی است و

^۱ - مجلسی، بحارالأنوار ج ۷۶، ص ۱۲، ح ۵۰

^۲ - مجلسی، بحار، ج ۷۳، ص ۶

^۳ - فخررازی، تفسیر الکبیر، ج ۹، ص ۲۱۱

^۴ - پور فلاحی، مجله طوبی، فرهنگ زیبای سلام، ش ۹

رسیدن به اسراری که برای وجوب یا استحباب بعضی از امور وجود دارد همیشه ممکن نیست و عقل انسان‌ها نمی‌تواند به آن دسترسی پیدا کند یکی از این موارد هم سلام کردن و فلسفه‌ای که در مستحب بودن سلام و وجوب جواب دادن آن است.

اسلام از میان انواع تحیات، تحیت «سلام» را تایید و امضا کرد. چرا که «سلام» از قبل اسلام بوده و باقی مانده‌های دین حضرت ابراهیم بوده است. اما غیر از این روحیه‌ی تذلل و خواری که در این سنت بود و هنوز در خیلی از جوامع هست، را شکست. به گونه‌ای که پیامبر اکرم و ائمه (سلام الله علیهم) از سلام به کوچک و بزرگ، بنده و سرور، فرمانده و سرباز، ابایی نداشتند و به همه سلام می‌کردند.^۱

برای افزایش روابط دوستانه مردم با هم، بر این تحیت تبلیغ زیادی شد. برای مثال حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) از حقوق مسلمان بر مسلمان یکی را همین سلام در هنگام دیدار شمردند. و یا برای سلام کننده (آغازگر رابطه اجتماعی) ثوابی بسیار بیشتر از پاسخ دهنده گزاردند. و بخیل را کسی نامیدند که از سلام کردن بخل بورزد^۲، و از آنجایی که انسان‌ها همیشه به دنبال این می‌باشند که در اجتماع زندگی کنند و زندگی اجتماعی داشته باشند یکسری قوانین را به وجود آورده‌اند که باعث تشویق مردم می‌شود و سلام کردن و رفتار نیکو داشتند یکی از این راه‌هاست که اسلام بارها بر آن تاکید کرده‌است و باعث دوستی و صمیمیت افراد می‌شود و کسانی که این کار را نمی‌کنند و از سلام کردن به دیگران امتناع می‌ورزند از جایگاه خوبی در بین مردم برخوردار نیستند ولی کسانی که این عمل شایسته انجام می‌دهند محبوب قلب‌ها می‌شوند.^۳

۴- نقش تربیتی سلام

بدون شک وصف اسلامی برای تربیت تنها ناظر به مقاصد و اهداف تربیت در اسلام نیست، بلکه از آنجا که تربیت عمل و برنامه‌ای است منطبق با ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، اساساً تربیت اسلامی را تربیتی ارزشی و هنجاری می‌سازد. البته وصف اسلامی برای تربیت تنها از دو حیث اسلامی بودن قواعد و اصول و اهداف نیست، بلکه اساساً نگرش ما به موضوع تربیت و به معنای

^۱ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ذیل آیه ۸۶ سوره نساء

^۲ - جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱ ذیل السلام علیکم

^۳ - ر.ک، فیض کاشانی، المحجبه البیضاء، ج ۳

خداوند همین آرامش است^۱». آرامش آنقدر دارای اهمیت است که حتی با سلام کردن و با جواب دادن سلام هم حاصل می‌شود چون نام خدا را بر زبان جاری می‌کنید باعث آرامش درونی انسان می‌شود و یک نوع سکینه نفس انسان پیدا می‌کند.^۲

۱۰-۷-دوری از بخل

یکی از چیزهایی که باعث می‌شود محبت کسی به دل دیگری بیفتد سخاوت اوست و در مقابل آن بخل است که صفات ناپسند است و باعث دوری مردم از شخص بخیل می‌شوند بخیل آن‌قدر بغض دارد که حتی در سلام کردن هم کوتاهی می‌کند و امام صادق (علیه السلام) فرمود: بخیل واقعی کسی است که از سلام کردن خودداری کند^۳ سلام کردن نوعی سخاوت است درست است که بخیل از بخشیدن مال خود به دیگران امتناع می‌کند ولی کسی که در سلام کردن بخل بورزد دقیقاً سلامتی و تندرستی را که خداوند به طرف مقابل داده‌است را برای او نمی‌خواهد و چشم دیدن آن را ندارد در صورتی که در میان سخنان نیکو سلام از همه کم‌هزینه‌تر و راحت‌تر است.^۴

۸- سلام خدا بر بندگان در هنگام مرگ

سلام بهترین بشارت در هنگام مرگ است و خداوند در هنگام مرگ به بندگان خود سلام می‌فرستد، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وقتی خداوند می‌خواهد مؤمنی را قبض روح کند فرشته مرگ را به سمت او می‌فرستد و بیان می‌دارد که روحش را نزد من بیاور تا خوشحالش کنم هنگامی که فرشته مرگ در بالین فرد محتضر حاضر می‌شود به او می‌گوید سلام بر تو ای ولی خدا بشارت باد تو را که خداوند به تو سلام می‌رساند و از تو راضی است و بر تو خشمگین نیست و بشارت باد تو را به بهشت برین پر نعمت^۵»، در سوره حشر خداوند می‌فرماید: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

^۱ -دشتی، نهج البلاغه، ص ۸۲، خطبه ۶۰۸

^۲ -فقیهی، شیوه‌های تربیتی و تاثیر آن در آرامش، ص ۳۱۳-۳۱۴

^۳ -فیض کاشانی، البیضاء، ج ۳، ص ۳۸۴

^۴ -شبلی، زندگی از دیدگاه اسلام، ص ۲۶۶

^۵ -شیخ مفید، الاختصاص، ص ۳۴۵

يُشْرِكُونَ»^۱، «اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست، سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آلائش، منزّه از هر عیب و ناشایست، ایمنی بخش دلهای هراسان، نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر بر همه خلقان، با جبروت و عظمت، بزرگوار و برتر (از حدّ فکرت)، زهی منزّه و پاک خدای یکتا که از هر چه بر او شریک پندارند منزّه و (از آنچه در وهم و خیال و عقل اندیشند) مبرّ است». این آیه بیان می‌دارد که هرچند خداوند به سلام بندگان نیازی ندارد تا کسی بر او سلام کند یا هیچ‌کسی بالاتر از خدا نیست که برای او درخواست سلامتی یا علوم کند و این درخواست نامعقول است و در جایی نداریم که کسی به خدا سلام کند بلکه بندگان خدا به فرمان او به دیگر بندگان سلام می‌دهند و یا فرشتگان و بندگان خدا سلام می‌کنند خداوند هم خود سلام است هم آموزنده سلام به بندگان و هم آفریننده‌ای دارالسلام (بهشت) است.^۲

نتیجه گیری:

^۱ -سوره حشر، آیه ۲۳

^۲ -ری شهری، منتخب میزان الحکمه، باب ۱۹۸، ص ۲۵۸

انسان نخستین خواسته اش امنیت و سلامتی و آرامش است. اگر انسان از نظر جان و مال و عرض در امنیت و سلامت نباشد، گویی سعادت و خوشبختی را هرگز تجربه نکرده است؛ چرا که سعادت را در آرامش و آسایش می داند. بیش ترین آسیبی که به انسان ها وارد می شود از سوی هم نوعان است؛ چرا که دیگر موجودات همه مسخر او هستند و توانایی غلبه بر انسان را ندارند و انسان با عقل و هوش خویش همه را مسخر خویش می کند و رام می سازد و از آسیب های آنها در امان است؛ اما بیش ترین خطر از سوی هم نوع است. سلام و تحیت در حقیقت اعلان رسمی امنیت از سوی طرفین است. سلام گفتن و جواب سلام دادن بسیار ثواب دارد و خداوند بر تمام اعمالی که بندگان انجام می دهد آگاه است پس مسلمانان باید بدانند که این سنت نیک را در تمامی لحظات زندگی خود داشته باشند تا از دورویی که چالپوسی دور دور باشند و با گفتن سلام یک رابطه ای اجتماعی عمیق با دیگران ایجاد کنند رابطه ای که در آن صداقت، دوستی احترام و محبت و استحکام بین آنها باشد سلام تنها چیزی است که از جایگاه انسان هیچ ارزشی را کم نمی کند نه تنها بلکه بر آن هم می افزاید و باعث قرب به خداوند می شود چون یکی از اسامی خداوند هم سلام است اما با گفتن سلام در روز درواقع به یاد خدا هستیم و در هر روز و هر لحظه و هر جا نام خدا را بر زبان خود جاری می کنیم و این حس را در مخاطب خود ایجاد می کنیم که ما تحیتی بر خداوند می دهیم و او جواب ما را باید بدهد کلمه سلام را خدا و پیامبران و فرشتگان و انسان های مؤمن در جاهای مختلف به کار برده اند و بعضی اعتقاد دارند که سلام نام اعظم خداوند است که در نماز هم وجوب جواب سلام واجب است.

منابع:

قرآن فولادوند

نهج البلاغه (دستی)

- ۱- القزوينی الرازی، أبو الحسين، **معجم مقیاییس الغه**، مترجم عبد السلام محمد هارون، نشر دار الفكر، ۱۳۹۹
- ۲- ابن شهر آشوب مازندارانی، رشید الدین محمد، **مناقب آل ابی طالب**، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان**، شرح زیارت جامعه کبیره، مرکز نشر اسراء، تهران، ۱۳۸۵
- ۴- حرعاملی، محمد حسن، **وسائل الشیعه**، قم، نشر آل البيت، ۱۴۰۹ ق
- ۵- حرانی، ابو محمد حسن، **تُحَفُّ الْعُقُول**، مترجم علی اکبر غفاری، تهران، قم، ۱۳۶۲
- ۶- دمشقی، ابن کثیر، **النهاية في الفتن و الملاحم**، محقق: عبد العزيز، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۹ ق.
- ۷- داودی، محمد، **درسنامه تربیت اسلامی**، ناشران پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، ۱۳۹۸
- ۸- شعیری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۴۷، مطبعة حیدریه، نجف، چاپ اول، بی تا.
- ۹- شبلی، احمد، **زندگی از دیدگاه اسلام**، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰
- ۱۰- شیخ مفید، محمد بن محمد، **الاختصاص**، ترجمه علی اکبر غفاری، ناشر: المؤتمر العالمي لالقیة الشيخ المفید، چاپ: ایران؛ قم، سال ۱۴۱۳ ق
- ۱۱- طباطبایی یزدی، سید کاظم، **عروه الوثقی**، تهران، انتشارات علمیه الاسلامیه، بی تا
- ۱۲- طبرسی، علی ابن حسن، **مشکاه الانوار**، انتشارات کتابخانه حیدری، ۱۳۸۵
- ۱۳- طباطبایی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ بیستم، ۱۳۸۴
- فخر رازی، محمد بن عمر، **تفسیر الکبیر**، مترجم علی اصغر حلبی، ناشر: اساطیر، ۱۳۷۹

- ۱۴- فیض کاشانی، ملامحسن، **المحجۃ البیضاء**، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق
- ۱۵- فریدتنکابنی، مرتضی، **اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت**، انتشارات تهران، ۱۳۸۰
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، مترجم: کمره ای، محمد باقر، ناشر: اسوه، چاپ: ایران؛ قم، سال ۱۳۷۵ ش
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۱،
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر، **بحارالأنوار**، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، تهران، قم، ۱۳۸۶
- ۱۹- محمدی ری شهری، محمد، **منتخب میزان الحکمه**، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲
- ۲۰- نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، انتشارات قم، ۱۴۰۸ ق
- مجله:**
- ۲۱- پور فلاحی، مجله طوبی، **فرهنگ زیبای سلام**، ش ۹، تاریخ ۱/۰۳/۱۴۰۱، ساعت ۱۴
- ۲۲- فقیهی، علی نقی، **شیوه های تربیتی و تاثیر آن در آرامش**، ش ۴، ۱۳۷۹، ساعت ۱۶